

استعاره مفهومی مزه‌ها در اشعار کودکان

عسگر صلاحی*

ندا نبی‌زاده اردبیلی**

چکیده

استعاره، که در دیدگاه کلاسیک ابزاری شاعرانه برای تزیین کلام به‌شمار می‌رفت، با ظهور زبان‌شناسانی چون لیکاف اساس تفکر معرفی شد. به این معنا که امور انتزاعی در قالب امور محسوس درک می‌شوند که به این فرایند استعاره مفهومی می‌گویند. در پژوهش حاضر که به شیوه کتاب‌خانه‌ای و تحلیلی-توصیفی انجام گرفته است، در پی بررسی استعاره‌های مفهومی‌ای هستیم که با تکیه بر حس چشایی در اشعار کودکان خلق شده‌اند تا به این پرسش‌ها پاسخ دهیم: ۱. عمده‌ترین مبداهای متعلق به حوزه چشایی در اشعار کودکان کدام‌اند؟ ۲. تأثیر بهره‌مندی از این مبداهای در القای مفاهیم انتزاعی چیست؟ برای انجام پژوهش، سی کتاب شعر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب و تمامی ابیات آن‌ها بررسی شدند. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش ۶۸ مورد استعاره مفهومی است که حوزه‌های مبداء آن‌ها «شیرین و تلخ» و حوزه‌های مقصدشان «احساس مطلوب یا نامطلوب ناشی از امور مختلف» است. از آن‌جا که نخست بیش‌تر استعاره‌ها با مزه محبوب کودکان مفهوم‌سازی شده‌اند، دوم همه آن‌ها از نوع هستی‌شناختی‌اند که با دیدگاه کودکان به جهان تطابق دارند، و سوم با محسوس‌ترین مدرکات مفهوم‌سازی شده‌اند، می‌توان گفت شاعران در تطبیق فضای شعری خود با روحیه کودکان موفق بوده‌اند و شعری مطابق با ذائقه کودکان سروده‌اند.

کلیدواژه‌ها: استعاره مفهومی، اشعار کودکان، مزه‌ها، شیرین، تلخ.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)، asgarsalahi98@gmail.com

** دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه محقق اردبیلی، nedanabizade@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۸

۱. مقدمه

«استعاره» از مباحثی است که ظهور و رشد زبان‌شناسی شناختی مسیر مطالعه آن را تغییر داد. استعاره، که سالیان متمادی به‌عنوان ابزاری شاعرانه شناخته می‌شد که در خدمت کاربرد غیرعادی زبان بود، با گسترش علوم شناختی، ابزاری برای اندیشیدن و درک امور انتزاعی و فرامادی معرفی شد، با این تعبیر که ذهن امور انتزاعی را از طریق بازسازی آن‌ها در قالب امور مادی درک و دریافت می‌کند. در این دیدگاه، «حوزه انتزاعی» «قلمرو مقصد» و «حوزه عینی و مادی، که به‌واسطه آن درک حوزه انتزاعی امکان‌پذیر می‌شود، «قلمرو مبدأ» نامیده می‌شود» (Lakoff and Johnson 1999: 11). حوزه مبدئی که برای فهم امور انتزاعی در نظر گرفته می‌شود، از امور عینی و ملموس است؛ یعنی اموری که اغلب به‌واسطه حواس پنج‌گانه درک و دریافت می‌شوند. موضوع اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش مدرکات حوزه چشایی - یکی از پنج حس ظاهری انسان - در شکل‌گیری استعاره‌های مفهومی در آثار کودکان است.

همان‌گونه که می‌دانیم این حس از جمله حواسی است که از آغاز پیدایش انسان و از همان دوران جنینی در وجود او فعال می‌شود. از این رو، متعلقات این حس جزو عینی‌ترین و ملموس‌ترین امور به‌شمار می‌آیند و وقتی امور انتزاعی به‌واسطه متعلقات این حس بازآفرینی شوند، می‌توان گفت که، به ملموس‌ترین و عینی‌ترین شکل ممکن، میان دو حوزه مبدأ و مقصد انطباق صورت گرفته است. از سوی دیگر، از آن‌جاکه کودک از آغاز زندگی اغلب اطلاعات و تجارب خود را با کمک حس چشایی به‌دست می‌آورد، مدرکات این حس برای او از مدرکات دیگر حواس ملموس‌تر خواهد بود. با توجه به مطالب گفته‌شده کوشیده‌ایم که تلاش شاعران کودک را در مفهوم‌سازی امور انتزاعی برای مخاطبان‌شان بررسی کنیم تا مشخص کنیم که این شاعران تا چه اندازه در تسهیل درک امور انتزاعی برای کودکان مطابق با دنیای تجربه‌شده آن‌ها موفق بوده‌اند. برای این امر مجموعه اشعاری از شاعران کودک را به‌طور تصادفی انتخاب و استعاره مفهومی مزه‌ها را در آن اشعار بررسی کردیم که در ادامه به شرح آن‌ها خواهیم پرداخت.

۲. روش پژوهش

روش پژوهشی به‌کاررفته در این مقاله کتاب‌خانه‌ای و از نوع تحلیلی - توصیفی است. جامعه آماری سی کتاب شعری است که از میان کتب شعر کودکان انتخاب شده‌اند. شاعران

این آثار عبارت‌اند از: ابراهیمی، خدادوست، رحمان‌دوست، شعبان‌نژاد، شعبانی، کشاورز، کیانوش، لطف‌الله، مزینانی، محقق، و بکتاش. کتاب‌های موردبررسی در جدول ۱ آمده است. این کتاب‌ها به‌دقت مطالعه و تمامی استعاره‌های مفهومی مربوط به حوزه چشایی از آن‌ها استخراج شد. از این‌رو، نمونه پژوهش در این مقاله تمامی اشعار موجود در کتاب‌های موردبررسی‌اند.

جدول ۱. سی کتاب شعر کودکانه منتخب

ردیف	شاعر	نام اثر
۱	خدادوست	شعر سبزه‌ها
۲	رحمان‌دوست	پرنده گفت به‌به، چشمه نور، دوستی شیرین است، فصل بهار بنویس، گل و چای و خواستگاری
۳	شعبان‌نژاد	شیشه‌آواز
۴	شعبانی	پروانه و گل سر، رنگین‌کمان کودکان
۵	کشاورز	چک‌های آواز
۶	کیانوش	آب‌های خسته، بچه‌های جهان، خار و مروارید، زبان چیزها، طوطی سبز هندی، خرچاکی‌ها یونجه‌ها و کلاغ‌ها، شبستان
۷	لطف‌الله	زندگی: یک لبخند
۸	بکتاش	تا رادیو خبر داد
۹	ابراهیمی	آب مثل سلام، آن مرد بازی می‌کند، آواز پوپک، پروانه در باران، رازهایی در باد، شکوفه‌های شعر، ماری که شاعرم کرد، مهربان سبزه‌پوش
۱۰	مزینانی	گل، آینه و قرآن
۱۱	محقق	خواب خوب، یک دانه گردو
	جمع کل	۳۰

در این مقاله، در پی پاسخ به این سؤالاتیم: ۱. عمده‌ترین مبداهای متعلق به حوزه چشایی در اشعار کودکانه کدام‌اند؟ ۲. تأثیر بهره‌مندی از این مبداهای در القای مفاهیم انتزاعی چیست؟

۳. مبانی نظری

در مورد ریشه کلمه استعاره آمده است:

استعاره، metaphor، برگرفته از کلمه یونانی "metaphora" مشتق از "meta" به معنای "فرا" و "pherein" به معنای "بردن" است. مفهوم این کلمه این است که در آن

جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر "فرابده" یا منتقل می‌شود. به نحوی که از شیء دوم به گونه‌ای صحبت می‌شود که گویی شیء اول است (آهنگر ۱۳۹۶: ۲۹).

هاوکس از صاحب‌نظرانی است که به بررسی مفصل استعاره پرداخته است. او، در کتاب *استعاره*، سیر مطالعه استعاره را به دو دوره کاملاً مجزا تقسیم می‌کند: ۱. از آغاز تا عصر رمانتیک؛ ۲. از عصر رمانتیک تا امروز (هاوکس ۱۳۹۰: ۱۳۵). او دوره اول را دوره کلاسیک و دوره دوم را دوره رمانتیک می‌نامد (همان). رویکرد چیره بر دوره کلاسیک دیدگاه ارسطوست و آغازگر دوره دوم آرای لیکاف (Lakoff and Johnson 1999)، زبان‌شناس معاصر آمریکایی، است.

۱.۳ سیر مطالعات استعاره

ارسطو نخستین کسی بود که به معرفی استعاره پرداخت. او استعاره را ویژه زبان ادبی می‌داند و آن را در میان فنون و صناعات ادبی، مورد بررسی قرار می‌دهد. از نظر این فیلسوف، استعاره به طور معمول در اسم رخ می‌دهد و عبارت است از «یک اصطلاح بیگانه که یا از جنس منتقل می‌شود و برای نوع به کار می‌رود یا از نوع به جنس یا از یک نوع به نوع دیگر منتقل می‌شود یا به وسیله قیاس است» (براتی ۱۳۹۶: ۵۲). بنابراین، استعاره نامیدن یک شیء به اسمی بیگانه (غیر ما وضع له) است و طبق این نگرش سنتی چنین تعریف می‌شود:

استعاره تنها برای اهداف هنری و بلاغی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به دلیل توانمندی و خلاقیت خاصی که لازم است، تنها شاعران و سخن‌وران می‌توانند از این ابزار به خوبی استفاده کنند. به علاوه، بخش اجتناب‌ناپذیر زبان نیست و بدون آن هم کار زبان راه می‌افتد (Kövecses 2010: 5).

این نوع نگاه، نگاه غالب بر استعاره در دوره کلاسیک و ناشی از تقسیم زبان به دو صورت تحت‌اللفظی و استعاری است که در زبان استعاری، عبارت‌های استعاری جای‌گزین عبارت‌های تحت‌اللفظی می‌شوند.

بررسی آرای منتقدان و صاحب‌نظران شرقی نیز غلبه دیدگاه کلاسیک در مورد استعاره را در میان آن‌ها تأیید می‌کند. این نکته از تعاریف بلاغیون در مورد استعاره قابل برداشت است. در این جا به تعدادی از این تعاریف اشاره می‌شود:

استعاره در لغت معنی استفعال دارد. یعنی عاریه‌خواستن لغتی به جای لغت دیگر، زیرا شاعر در استعاره واژه‌ای را به علاقه مشابهت به جای واژه دیگری به کار می‌برد. مهم‌ترین نوع مجاز مجاز به علاقه مشابهت است که به آن استعاره می‌گویند (شمیسا ۱۳۸۱: ۵۱).

«استعاره شیوه‌ای در بازنمود اندیشه شاعرانه است که در آن دو عنصر مورد مقایسه چنان در هم می‌آمیزند که جدا کردن آن‌ها از هم ممکن نبوده و یکی از آن‌ها دیگری را به یاد می‌آورد» (کزازی ۱۳۶۸: ۹۸؛ دراین‌باره، بنگرید به همایی ۱۳۷۴: ۲۵۰؛ شفیعی کدکنی ۱۳۵۰: ۹۳؛ صفوی ۱۳۷۹: ۲۶۶).

بر این اساس، لیکاف و جانسون با در نظر گرفتن آرای متقدمان در مورد استعاره ارکان نظریه سنتی استعاره را چنین برمی‌شمارند:

۱. استعاره به واژه مربوط می‌شود و به سطح اندیشه راه ندارد. استعاره زمانی ایجاد می‌شود که یک واژه درباره مدلول متعارفش به کار نرود؛ ۲. زبان استعاره بخشی از زبان قراردادی متعارف نیست، بلکه زبانی جدید است که در شعر و عبارت‌های بلیغ و فصیح برای اقناع‌سازی و در کشفیات علمی به کار می‌رود؛ ۳. زبان استعاری زبان انحرافی است؛ یعنی در استعاره واژه‌ها در معنای متعارف خود به کار نمی‌روند؛ ۴. عبارت‌های استعاری قراردادی در زبان معمولی روزمره «استعاره‌های مرده» هستند؛ ۵. استعاره‌ها شباهت‌ها را نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، وجوه شباهت از پیش موجود میان مدلولات معمولی واژه‌ها و مدلولات استعاری آن‌ها را نشان می‌دهد (Lakoff and Johnson 1999: 19).

به‌طور کلی باید گفت دیدگاه کلاسیک در نهایت کارکرد اصلی استعاره را، با در نظر گرفتن کارکردهای گوناگون آن، تزیین گفتار و نوشتار می‌داند. کارکردی که می‌تواند سیاق کلام را از سطح عادی و معمولی زبان ارتقا بخشد.

با ظهور زبان‌شناسی شناختی، نظریه استعاره به یک‌باره متحول شد. لیکاف، در مقاله «نظریه معاصر استعاره»، دیدگاه کلاسیک استعاره را به چالش کشید و تزیینی بودن استعاره را نفی کرد. او به هم‌راه جانسون، با انتشار کتاب *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*، ادعا کرد که استعاره تنها به حوزه زبان محدود نیست، بلکه سراسر زندگی روزمره و از جمله حوزه اندیشه و علم را نیز در بر می‌گیرد. در این رویکرد جدید، استعاره با ویژگی‌های عملکرد ذهن مرتبط دانسته و برای درک مفهومی انتزاعی از طریق مفهومی تجربه‌پذیر و عینی به کار گرفته می‌شود. هم‌چنان‌که شهری اذعان می‌دارد:

استعاره‌ها مفاهیم روزمره را ساختار می‌بخشند و این ساختار در زبان تحت‌اللفظی بازتاب می‌یابد. برخلاف تصور ارسطویی، استعاره مسئله‌ای فقط زبانی نیست، فرایند تفکر بشر به صورت گسترده‌ای استعاری است و نظام مفاهیم بشری به گونه‌ای استعاری ساختاربندی و تعریف می‌شود (شهری ۱۳۹۱: ۶۱).

در این دیدگاه، شاعر دست‌رسی خاصی به نوع خاصی از زبان یا دانش ندارد که دیگران از آن بی‌بهره باشند، بلکه استعاره «حاصل زبان است، نه تصویرسازی و همه‌جا حاضر در کل زبان است» (هاوکس ۱۳۹۰: ۹۲) و باید آن را «در مفهوم کلی، به‌کارگیری ارتباط دلالت‌گری درباره مجموعه‌ای از پدیده‌ها که میانشان ارتباطی کلی وجود دارد» (Ogden and Richards 1972: 213) دانست. باتوجه به مطالب گفته‌شده، دو اصل مهم بر نظریه معاصر استعاره حاکم است که لی آن‌ها را چنین برمی‌شمارد: «الف. استعاره مختص زبان شعر و گونه ادبی نیست؛ ب. استعاره صرفاً پدیده‌ای زبانی نیست، بلکه به‌طور کلی ریشه در نظام مفهومی ذهن انسان دارد» (Lee 2001: 7).

براساس دیدگاه معاصر استعاره، هر جا انسانی و ارتباطی وجود دارد، حضور استعاره قابل تشخیص است، چراکه ارتباط بشر مبتنی بر اندیشه و اساس اندیشه مبتنی بر استعاره است. از همین روست که کوچش معتقد است: «استعاره یک پدیده با توزیع گسترده است که تمامی واقعیت فرهنگی ما اعم از فرهنگ مادی و روی داده‌های فیزیکی را در بر می‌گیرد و بدون استعاره ما نمی‌توانیم از جهان خود سر در بیاوریم» (کوچش ۱۳۹۶: ۴۸۰).

۲.۳ انواع استعاره مفهومی

گفته شد که استعاره مفهومی درک یک امر انتزاعی از طریق مفهوم‌سازی آن در قالب امری مادی و عینی است. از این رو، از این‌رو، از نظر فتوحی، هر استعاره مفهومی دو جزء دارد که عبارت‌اند از حوزه مقصد (target domain) و حوزه مبدأ (source domain). «حوزه مفهومی عینی را حوزه مبدأ و حوزه مفهومی انتزاعی را حوزه مقصد نامیده‌اند» (فتوحی ۱۳۹۰: ۳۲۶). «ارتباط میان این دو حوزه نیز به شکل گزاره‌هایی نمود می‌یابد که نگاشت (mapping) نامیده می‌شود» (کوچش ۱۳۹۳: ۱۳۴). فتوحی در تعریف نگاشت می‌آورد:

نگاشت عبارت است از قلمروهای متناظر در نظام مفهومی. از این رو، هر نگاشت را مجموعه‌ای از تناظرهای مفهومی و نه یک گزاره صرف می‌دانند. به عبارت دیگر، برخلاف آنچه نظریه کلاسیک مطرح می‌کند، این کلمات یا عبارات نیستند که استعاره

را می‌سازند، بلکه اساس استعاره از روابط مفهومی میان دو حوزه مبدأ و مقصد شکل می‌گیرد (فتوحی ۱۳۹۰: ۳۲۶-۳۲۷).

در مورد تقسیم‌بندی استعاره مفهومی باید افزود:

لیکاف و جانسون استعاره‌های مفهومی را با توجه به ویژگی‌های حوزه مبدأ و روند شکل‌گیری آن به سه نوع تقسیم کردند: استعاره‌های ساختاری، استعاره‌های جهتی، و استعاره‌های هستی‌شناختی. استعاره ساختاری وظیفه سازمان‌دهی و قالب‌بندی یک مفهوم را در حوزه یک مفهوم دیگر به صورت نظام‌مند برعهده دارد (کوچش ۱۳۹۶: ۷۵).

بنابه نظر کوچش، در استعاره ساختاری حوزه مبدأ، ساختار معرفتی نسبتاً پرمایه‌ای برای شناسایی حوزه مقصد است. برای مثال، اسم‌نگاشت «مباحثه جنگ است» نشان می‌دهد که چگونه «بحث و مجادله لفظی» را با تجربه جنگ و نبرد می‌توان مفهومی و تصویری کرد (همان: ۷۵). «لیکاف و جانسون برآن‌اند که اکثر استعاره‌های گزاره‌ای از این نوع هستند» (هاشمی ۱۳۸۹: ۱۲۹).

کوچش استعاره هستی‌شناختی را چنین شرح می‌دهد:

از نظر لیکاف و جانسون، تجربه ما از اشیا و جوهرها اجازه می‌دهد تا امکان شناخت بخش‌هایی از تجربیات به‌عنوان وجود و جوهر مجزای واحد فراهم شود. زمانی که تجربیات به‌عنوان وجود و جوهر شناخته شدند، می‌توان به آن‌ها اشاره و آن‌ها را طبقه‌بندی و گروه‌بندی کرد و از این طریق درباره آن‌ها استدلال کرد. این نوع از استعاره‌ها مفاهیم غیرمادی و غیرفیزیکی را به‌طور فیزیکی مفهومی می‌کنند (کوچش ۱۳۹۶: ۷۵).

باید توجه داشت که «استعاره‌های هستی‌شناختی درکی عمیقاً بنیادین و درعین حال خام از مفاهیم مقصد به‌دست می‌دهند که در مرحله بعد، مقدمات فهم استعاره‌های ساختاری را فراهم می‌کنند» (همان).

استعاره جهتی یا وضعی نیز بنابه تصریح لیکاف و جانسون استعاره‌هایی هستند که:

عمدتاً مفاهیم را براساس جهت‌گیری فضایی (spatial-orientation) مانند بالا، پایین، عقب، جلو، نزدیک، دور، و... سازمان‌دهی و مفهومی می‌کنند. کاربرد استعاری این جهت‌گیری‌های فضایی از این واقعیت نشئت می‌گیرد که بدن انسان مکان‌مند و فضایی

است و شکل عملکرد جسم وی با کارکردهایش در محیط بیرون یکسان است (لیکاف و جانسون ۱۳۹۴: ۱۴).

از نظر این دو صاحب‌نظر، انتخاب و کاربرد اغلب استعاره‌های جهت‌یاری نیست، چراکه آن‌ها ریشه در تجارب فرهنگی و فردی ما دارند. به همین دلیل، ممکن است این استعاره‌ها با وجود ماهیت مادی مشترک، که ناشی از ساختار یکسان بدن انسان و عملکرد آن است، از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت باشند.

۳.۳ حس چشایی و جایگاه آن در شناخت کودک

هر موجود زنده‌ای در محیطی خاص زندگی می‌کند و تحت‌تأثیر آن است. از آن‌جاکه همه پدیده‌های محیط پیرامون برایش مفید نیستند، بنابراین او برای بقای خود به شناخت پدیده‌ها نیازمند است، چراکه:

موفقیت فرد در زندگی، به میزان استعدادش برای مبارزه و غلبه بر این محیط و میزان تعدیل رفتار خود بر وفق مقتضیات آن بستگی دارد. این امر در صورتی امکان‌پذیر خواهد بود که او به محیط خود آشنا باشد و آن را بفهمد (شعاری‌نژاد ۱۳۸۵: ۱۴).

آن‌چه این شناخت را برای انسان فراهم می‌سازد، حواس ظاهری اوست و درحقیقت تنها راه ارتباطی بشر با محیط پیرامونش حواس پنج‌گانه است، اما ادراک حاصل از هر یک از حواس از لحاظ کمی و کیفی به طرز فاحشی متفاوت‌اند، زیرا شکل‌گیری و گسترش حواس ظاهری به صورت هم‌زمان صورت نمی‌گیرد. شماری از این حواس از همان دوران جنینی در وجود انسان فعال می‌شوند، ولی برخی دیگر بعد از تولد نوزاد در وجودش به کار می‌افتند و زمینه شناخت را برایش فراهم می‌سازند. از جمله حواسی که از همان دوران جنینی در وجود انسان فعال می‌شود و در این پژوهش نیز مدنظر ماست، حس چشایی است. روان‌شناسان حوزه رشد معتقدند: «از سه ماه اول زندگی درون‌رحمی به بعد، به سرعت سیستم چشایی جنین فعال است» (تورت و گیودتی ۱۳۸۷: ۴۶). این اعتقاد حاصل انجام آزمایش‌هایی است که با افزودن مواد شیرین و تلخ به مایع آمونیاکی درون رحم انجام گرفته است. سنجش‌گران مشاهده کرده‌اند که با تزریق مواد شیرین به درون رحم، دفعات بلع جنین افزایش می‌یابد و با تزریق مواد تلخ این فرایند معکوس می‌شود (همان: ۴۶) و این گویای فعال‌بودن حس چشایی در وجود جنین است. بعد از تولد و در

دوران کودکی، حس چشایی بنابه اعتقاد صاحب‌نظران در کودکان به مراتب قوی‌تر از بزرگسالان است. عمل چشایی یک عمل شیمیایی است، زیرا نتیجه فعل و انفعال مواد گوناگون جوانه‌هایی است که روی زبان پراکنده‌اند. تعداد این جوانه‌ها در کودکان بیش از بزرگسالان است و در وسط زبان، سطح مخاطی زیر گونه‌ها، و به‌طور کلی قسمت پیش‌تر دهان وجود دارند، در صورتی که در اشخاص بزرگسال چنین نیست. به همین سبب، کودک از لحاظ چشایی بیش از بزرگسالان حساس است. بر این اساس، معتقدیم که حس چشایی یکی از حواس بنیادی در ادراک کودک است و مدرکات این حس از محسوس‌ترین و ملموس‌ترین امور به‌شمار می‌آیند. از این رو، در این پژوهش تأثیر این حس را در آفرینش استعاره‌های مفهومی در آثار کودکان بررسی می‌کنیم.

۴. پیشینه پژوهش

در مورد استعاره مفهومی پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، ولی در این میان تعداد اندکی از این پژوهش‌ها آثار کودکان را جامعه آماری خود قرار داده‌اند. به گونه‌ای که در این میان تنها سه مقاله قابل استناد است. در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

سجودی و قنبری (۱۳۹۱)، در مقاله خود استعاره مفهومی «گذر زمان به‌مثابه حرکت در مکان» را در قصه‌های کودکان براساس نظریه معاصر استعاره لیکاف بررسی کرده‌اند. یافته‌های مقاله به این شرح است: ۱. به نظر می‌رسد کودک فارسی‌زبان در گروه‌های سنی مورد بررسی مفهوم زمان را به‌واسطه حرکت در مکان درک می‌کند؛ ۲. کودک فارسی‌زبان در گروه‌های سنی مورد بررسی نه‌تنها مفهوم زمان را به‌واسطه حرکت در مکان درک می‌کند، بلکه عملکرد الگوی نگاشت «زمان چیز است»، «آن چیز در حرکت است» در استعاره زمان، با فرافکنی هستی‌شناسانه به ماه، خورشید، و اشیای پیرامون کودک وابسته است و در درک مفهوم زمان تأثیر مستقیم دارد؛ ۳. نظریه معاصر استعاره لیکاف ابزار نظری مناسبی برای بررسی ساختار مفهومی داستان‌های کودک است. افراشی و نعیمی (۱۳۸۹) در چهارچوب رویکرد شعرشناسی شناختی درباره داستان‌های کودک به این نتیجه رسیده‌اند که این روش می‌تواند شواهد باارزشی برای شعرشناسی شناختی باشد، چراکه بهترین نمونه‌ها برای تحلیل شناختی از مراحل اولیه رشد زبانی به‌دست می‌آید. شریفی و حامدی (۱۳۸۹) در مقاله خود استعاره‌های شناختی ادبیات کودک و نوجوان را بررسی کرده‌اند. نویسندگان، که در این اثر بیش‌تر به استعاره هستی‌شناختی پرداخته‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که از میان

استعاره‌های هستی‌شناسانه شخصیت‌بخشی به حیوانات، خوراکی‌ها، و اشیا در گروه‌های سنی «الف» و «ب» بیش‌تر مشاهده می‌شود. در داستان‌های مربوط به کاربرد اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها، که از استعاره‌های هستی‌شناسانه، استعاره‌های مفهومی، و ساختاری‌اند، بیش‌تر مشاهده می‌شود. این مسئله نیز با رشد تفکر انتزاعی در نوجوانان سازگاری دارد.

شایان ذکر است که از میان سه مقاله مورد اشاره تنها مقاله‌ای که شاید تا حدودی قابل مقایسه با این اثر پژوهشی باشد، مقاله شریفی و حامدی است که نویسندگان در آن به بررسی استعاره هستی‌شناختی در ده داستان کودکان پرداخته‌اند. در این مقاله هم به استعاره مفهومی خوراکی‌ها پرداخته شده است، ولی نویسندگان به جان‌بخشی خوراکی‌ها در داستان‌ها پرداخته‌اند؛ مانند جان‌بخشی به عدس، فلفل، بادمجان، و ...، نه استعاره مفهومی مربوط به طعم و مزه. از سوی دیگر، استعاره مفهومی مدنظر ما در این پژوهش اساساً با تشخیص ارتباطی ندارد و استعاره‌های مورد بررسی همگی از نوع دوم استعاره هستی‌شناختی، یعنی ماده و شیء تلقی کردن امر انتزاعی، است. بر این اساس، باید گفت مقاله حاضر در نوع خود مسبق به سابقه نیست.

۵. استعاره‌های مزه موجود در اشعار کودکان

همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد، از نظر زبان‌شناسان معاصر، استعاره اساس تفکر بشر است و انسان برای درک امور فرامادی از استعاره بهره می‌برد. از آن‌جاکه تفکر و ویژگی ذاتی نوع بشر است و به جنسیت، سن، و ... ربطی ندارد، پس استعاره نیز، که زیربنای تفکر را می‌سازد، در کلیه روابط انسانی ساری و جاری خواهد بود. ادبیات کودکان نیز، به‌عنوان شاخه‌ای از ادبیات گسترده یک ملت، قاعدتاً از استعاره خالی نخواهد بود، اما از آن‌جاکه ادبیات کودک مخاطب خاص خود را دارد که از درک مطالب پیچیده و سنگین ناتوان است، بنابراین نویسنده این آثار باید در گزینش عبارات و مضامین آثار خود دقت بیش‌تری به‌کار ببرد. می‌دانیم که امور فرامادی برای کودکان چندان قابل‌درک نیستند - و حوزه مقصد استعاره مفهومی از مقوله‌های فرامادی‌اند - و درعین حال گاه نویسنده از بیان این امور ناگزیر است. پس باید این امور به ساده‌ترین شکل ممکن بیان شوند.

هم‌چنین گفته شد که حوزه‌های مبدأ، که برای بیان امور انتزاعی برگزیده می‌شوند، از میان ملموسات حوزه‌های پنج‌گانه حواس چشایی، لامسه، بویایی، شنوایی، و بینایی هستند. در این میان، مدرکات حوزه چشایی و لامسه به‌زعم ما از محسوس‌ترین امورند، زیرا

مدرکات این دو حس بدون هیچ فیلتر و واسطه‌ای با جسم انسان ارتباط می‌یابند. از سوی دیگر، این دو حس از دوران جنینی در وجود انسان فعال می‌شود و انسان از مدرکات این دو حوزه سابقه ذهنی بیش‌تری دارد. از این‌رو، در استعاره‌هایی که حوزه مبدأ از مدرکات دو حوزه چشایی و لامسه انتخاب می‌شود، فهم آن برای کودک به مراتب آسان‌تر خواهد بود. توجه به آثار نویسندگان و شاعران ادبیات کودک به گونه‌ای این گفته را تأیید می‌کند.

برای انجام این پژوهش، سی اثر از مجموعه اشعار شاعران کودک را انتخاب و استعاره‌های مفهومی موجود در آن‌ها را بررسی کرده‌ایم. بررسی‌ها نشان می‌دهند که شاعران منتخب اغلب مدرکات حوزه چشایی و لامسه را به عنوان حوزه مبدأ در استعاره‌های مفهومی خود به کار برده‌اند. از آن‌جاکه در این پژوهش تنها به بررسی نقش مدرکات حوزه چشایی در خلق استعاره‌های مفهومی می‌پردازیم، در ادامه به بررسی استعاره مفهومی مزه‌ها خواهیم پرداخت.

جدول ۲. خلق استعاره‌های مفهومی مزه شیرین در آثار منتخب

ردیف	شاعر	استعاره مفهومی مزه شیرین	نام اثر	صفحه
۱	رحمان دوست	خواب شیرین، روز شیرین، زندگی شیرین	پرنده گفت به به	۱۲
		خواب شیرین	چشمه نور	۲۲
		دختر شیرین، او شیرین است، دوستی شیرین	دوستی شیرین است	۸، ۷، ۴
		وقت شیرین	گل و چای و خواستگاری	۲
		شیرین‌ترین کار	فصل بهار بنویس	۱۴
۲	شعبان‌نژاد	خنده شیرین	شیشه آواز	۲۱
۳	شعبانی	زندگی شیرین	رنگین کمان کودکان	۹
		تو شیرینی	یک نفر رد شد از کنار دلم	۲۱
۴	کشاورز	خواب شیرین	چکه‌ای آواز؛ تکه‌ای مهتاب	۲۸
		رؤیای شیرین	چکه‌ای آواز؛ تکه‌ای مهتاب	۲۵
۵	لطف‌الله	زندگی شیرین (۲ بار)	زندگی یک لبخند	۹
۶	کیانوش	فریاد شیرین	آب‌های خسته	۲۹
		زمزمه شیرین	شکوفه حیرت	۸۵
		بازی شیرین	خرخاکی‌ها بونجه‌ها و کلاغ‌ها	۱۲۸

ردیف	شاعر	استعاره مفهومی مزه شیرین	نام اثر	صفحه
		احساس شیرین، صدای شیرین، حکایت شیرین، حس شیرین	بچه‌های جهان	۱۷۸، ۱۸۴، ۱۹۶، ۲۱۰
		نغمه شیرین، حکایت شیرین، عطر شیرین	نخار و مروارید	۱۰۳، ۵۳
		آواز شیرین، صدای شیرین، سخن شیرین	زبان چیزها	۵۴
		یادبود شیرین، واقعیت شیرین، لبخند شیرین، شیرین‌کام	شبستان	۳۰، ۲۴، ۱۳، ۷
۷	ابراهیمی	سخن شیرین	طوطی سبز هندی	۱۰
		خواب شیرین	آب مثل سلام	۱۸
		بازی شیرین، سلام شیرین	آن مرد بازی می‌کند	۱۴
		قصه شیرین (۲ بار)، زندگی شیرین	آواز پوپک	۶
		خواب شیرین	پروانه در باران	۱۸
		حس شیرین (۲ بار)، لبخند شیرین	رازهایی در باد	۳۶، ۲۲
		قصه شیرین	شکوفه‌های شعر	۳۴
		حس شیرین	ماری که شاعرم کرد	۱۰
		روزهای شیرین	مهربان سبزی‌پوش	۴
		حرف شیرین	گل، آینه و قرآن	۲۰
۸	مزینانی			
		جمع کل		۴۸

همان‌گونه که از جدول ۲ برمی‌آید، در میان استعاره‌های مستخرج از اشعار کودکان ۴۸ مورد با کمک مزه شیرین مفهوم‌سازی شده‌اند که در این جا به ابیاتی اشاره می‌شود که این استعاره‌ها در آن‌ها نمود یافته‌اند.

نوبهاری زیباست / روزها شیرین است / ننه سرما دیگر / خسته و غمگین است (رحمان دوست ۱۳۸۴: ۷).

شده شیرین حالا / دختر من دیگر / من برایش هستم / صبح تا شب مادر (رحمان دوست ۱۳۸۹: ۷).

شیرین‌ترین کار / رازونیا است / ظهر و شب و روز / کارم نماز است (رحمان دوست ۱۳۸۵: ۱۲).

ایلی از خنده‌های شیرینت / از میان نگاه من کوچید (شعبان‌نژاد ۱۳۹۱: ۲۱).
همیشه صبح تا شب من / در این رؤیای شیرینم / تمام صورتم چشم است / ولی او را نمی‌بینم (کشاورز ۱۳۸۴: ۱۴).

استعاره مفهومی مزه‌ها در اشعار کودکانه ۱۳۳

غیر از حکایت‌های شیرین/ دارم حکایت‌های دیگر/ می‌گویم آن‌ها را همیشه/ یک‌طور دیگر، جای دیگر (کیانوش ۱۳۷۸: ۲۱۰).

از آن‌ها می‌خواهی/ اخباری آوازی/ آواز شیرینی/ آهنگ دم‌سازی (کیانوش ۱۳۸۱: ۵۴).
بعضی از شب‌ها/ با صدای شیرین/ ساعتی می‌خواند/ قصه‌های شیرین (همان: ۱۳).
طوطی سبز هندی/ از جنگل‌ها می‌آیی/ با قصه‌های شیرین/ به شهر ما می‌آیی (کیانوش ۱۳۸۲: ۱۰).

زندگی شیرین است/ مثل یک آب‌نبات/ مثل گل، مثل عسل/ مثل قند و شکلات (لطف‌الله ۱۳۸۳: ۱۴).

لبخند تو را که گرم و شیرین بود/ در چهره آفتاب می‌دیدم (ابراهیمی ۱۳۸۶ ب: ۲۲).
آوازتان در گوش‌های من/ زیبا و شیرین است (همان: ۴۸).
او یک سلام شیرین/ بر جمع کودکان کرد (ابراهیمی ۱۳۸۵: ۳).
چه حس شیرینی است/ که در دلم دارم (ابراهیمی ۱۳۹۲: ۱۴).
حرف او مثل عسل/ ساده و شیرین بود/ او برای گل‌ها/ یک کمی غمگین بود (مزینانی ۱۳۹۲: ۲۰).

در نمونه‌های ارائه‌شده «صفت شیرین» به‌طور مشترک برای توصیف امور گوناگونی به‌کار رفته است. طبق آرای زبان‌شناسان شناختی، در همه مثال‌های ذکرشده «شیرین» حوزه مبدأ است و آنچه شاعران در پی توضیح و تشریح آن‌اند، حوزه مقصد است که به‌ترتیب عبارت‌اند از روز، دختر، کار، خنده، رؤیا، حکایت، آواز، صدا، قصه، زندگی، لبخند، سلام، حس، و...

جدول ۳. خلق استعاره‌های مفهومی مزه تلخ در آثار منتخب

ردیف	شاعر	استعاره مفهومی مزه تلخ	نام اثر	صفحه
۱	خدادوست	لحظه‌های تلخ	شعر سبزه‌ها	۱۴
۲	شعبان‌نژاد	صدای تلخ	شیشه آواز	۲۹
۳	شعبانی	خبر تلخ	پروانه و گل سر	۷
۴	کیانوش	سخن تلخ، پند تلخ	بچه‌های جهان	۱۸۶
		اندیشه تلخ	خار و مروارید	۱۲۸
		عمر تلخ، لحظه تلخ، کلام تلخ، ناله تلخ	خرخاکی‌ها، بونجه‌ها و کلاغ‌ها	۱۳۰، ۶۶، ۴۴

ردیف	شاعر	استعاره مفهومی مزه تلخ	نام اثر	صفحه
		یادبود تلخ، واقعیت تلخ، اندیشه تلخ (۲ بار)، فکر تلخ	شبستان	۲۶، ۱۳، ۷ ۳۹، ۲۹
		چکامه تلخ، گریه تلخ، نفس تلخ	شکوفه حیرت	۶
۵	بکتاش	روز تلخ	تا رادیو خبر داد	۷
۶	ابراهیمی	سؤال تلخ	رازهایی در باد	۱۸
۷	رحمان دوست	وقت تلخ	گل و چای و خواستگاری	۲
		جمع کل		۲۰

در میان استعاره‌های به کار رفته در اشعار کودکان، سهمی نیز به بیان امور نامطلوب با بهره‌گیری از مزه تلخ اختصاص دارد. از میان ۶۸ استعاره مفهومی مستخرج از جامعه آماری، بیست مورد با بهره‌گیری از مزه تلخ بازنمایی شده‌اند. شاعران کوشیده‌اند تا حس نامطلوب ناشی از برخی امور را با کمک مزه مورد اشاره به مخاطب کودک خود القا کنند. در ادامه به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌شود.

از بس به من گفتند/ بیچاره و بدبخت/ شد لحظه‌هایم تلخ/ شد لحظه‌هایم سخت
(خدادوست ۱۳۸۳: ۱۴).

نگاهش رفته تا آن سوی خانه/ لب یک ظرف خالی پای دیوار/ میان برف‌ها پیچیده
امروز/ صدای تلخ حق‌های دیوار (شعبان‌نژاد ۱۳۹۱: ۲۹).
قاصدک چرخ زد/ از سر شهر گذشت/ خبر تلخی را/ با خودش برد به دشت
(شعبانی ۱۳۷۸: ۷).

پند تلخی که بر زبان رانیم/ خود بسی آزموده‌ایم آن را (کیانوش ۱۳۷۸: ۱۸۶).
آن قصه‌ها که من/ یک عمر تلخ گفتم و گفتم/ از آن چه بود و راست بود و نهایت بود/
هرگز نشان نداشت (کیانوش ۱۳۵۰: ۴۴).

لیکن این ناله تلخ/ هم‌چنان معنی دیگر دارد (همان: ۱۳۰).
فکر فتح قله است/ قله‌ای به نام تانک/ تلخ کرده روز را/ مصطفی به کام تانک
(بکتاش ۱۳۹۱: ۷).

در نگاه خسته‌اش انگار/ یک سؤال تلخ پیدا بود (ابراهیمی ۱۳۸۶: ۳۴).
می‌توان در چشم‌ها هم با خنده/ اخم تلخ چشم‌ها را باز کرد (ابراهیمی ۱۳۸۲ ب: ۲۲).
در نمونه‌های مورد اشاره، «تلخ» حوزه مبدأ است که از امور عینی و محسوس انتخاب شده است، زیرا مزه تلخ به واسطه حس ظاهری چشایی درک می‌شود و حوزه‌های مقصد عبارت‌اند از: لحظه، صدا، خبر، ناله، پند، عمر، روز، سؤال، اخم، و

جدول ۴. استعاره‌های مفهومی مزه‌ها در اشعار کودکان

فرآوانی	حوزه‌های مقصد	حوزه‌های مبدأ	استعاره مفهومی مزه‌ها
۴۸	خواب، روز، دختر، او، تو، کار، دوستی، خنده، لبخند، رؤیا، حکایت، فریاد، بازی، احساس، نغمه، سخن، حرف، سلام، آواز، صدا، قصه، یادبود، واقعیت، کام، زمزمه، و زندگی	شیرین	مزه شیرین
۲۱	لحظه، صدا، خبر، سخن، اندیشه، کلام، چکامه، سؤال، ناله، پند، عمر، روز، یادبود، واقعیت، وقت، فکر، نفس، و گریه.	تلخ	مزه تلخ

۶. تحلیل استعاره‌های مفهومی مزه‌ها در اشعار کودکان

چنان‌که از جدول ۴ برمی‌آید، در حدود ۶۹ استعاره مفهومی با مبدئیت حس چشایی در اشعار مورد بررسی قابل تشخیص است. برای حوزه مبدأ این استعاره‌ها از میان متعلقات حوزه چشایی تنها به دو مزه تلخ و شیرین اکتفا شده است؛ یعنی دقیقاً مزه‌هایی که کودکان طعم‌های مطلوب و نامطلوب خود را با کمک آن‌ها بیان می‌کنند. بسیار دیده شده است که کودک برای بیان مزه شوری یا ترشی از لفظ تلخ استفاده کرده است یا خوش‌مزه بودن چیزی را با لفظ شیرین توصیف کرده است. می‌توان گفت شاعران با تکیه بر ذائقه کودکان، که عمدتاً شیرینی‌پسند است، برای مفهوم‌سازی امور مطلوب از واژه شیرین استفاده کرده‌اند؛ مانند خواب شیرین، زندگی شیرین، حرف شیرین، و... در مقابل، امور و حس نامطلوب را با مزه نامطلوب تلخ به کودک القا کرده‌اند؛ هم‌چون صدای تلخ، لحظه تلخ، و خاطره تلخ. شایان ذکر است که شاعران بیش‌تر از مزه شیرین در مفهوم‌سازی‌های خود بهره برده‌اند و واژه تلخ کم‌تر در وصف حالات گوناگون استفاده شده است.

اما حوزه مقصد طیف وسیع و متنوعی از امور را در بر می‌گیرد. اگر بخواهیم این امور را طبقه‌بندی کنیم، باید گفت حوزه‌های مقصد به‌ظاهر به دو دسته مفاهیم مادی و غیرمادی بخش‌پذیرند. اموری چون او، لبخند، تو، ناله، نفس، و... از حوزه‌های مقصد مادی‌اند. حال آن‌که اندیشه، واقعیت، دوستی، و... جزو امور غیرمادی‌ای‌اند که حوزه مقصد استعاره‌ها را به‌خود اختصاص داده‌اند. حدود سی استعاره مفهومی بازشناخته در آثار کودکان حوزه مقصد غیرمادی دارند و حوزه مقصد بقیه استعاره‌های مفهومی، یعنی حدود ۳۸ مورد، مادی‌اند. از این‌رو، باید گفت اولاً امور غیرمادی کم‌تری به‌عنوان حوزه مقصد انتخاب شده‌اند، ثانیاً آن‌ها از امور دردست‌رس‌اند و بسیار دیرپاب نیستند.

نگاهی به استعاره‌های مفهومی با حوزه مقصد مادی نیز قابلیت تقسیم‌بندی آن‌ها را به بخش‌های کوچک‌تر نشان می‌دهد. این حوزه‌های مقصد، باتوجه‌به حس دریافت‌کننده‌شان،

به حوزه‌های مقصد متکی به حس شنوایی، حس بینایی، حس چشایی، حس لامسه، و حس بویایی بخش پذیرند. برای مثال، در استعاره مفهومی آواز شیرین یا زمزمه شیرین، حوزه مقصد آواز یا زمزمه به واسطه حس شنیداری درک و دریافت می‌شود یا در استعاره لبخند شیرین لبخند با چشم دیده می‌شود. پس حوزه مقصد از متعلقات حس بینایی است. در جدول زیر حوزه‌های مقصد بر این اساس تقسیم‌بندی شده‌اند.

جدول ۵. تقسیم‌بندی حوزه‌های مقصد استعاره‌های مفهومی به کاررفته در اشعار کودکان

حوزه‌های مقصد مادی			حوزه‌های مقصد غیرمادی
بویایی	بینایی	شنوایی	
عطر	دختر؛ او؛ تو؛ بازی (۲ بار)؛ لبخند (۲ بار)؛ دهان؛ کام؛ روز (۳ بار).	خنده، سخن؛ فریاد، کلام؛ زمزمه، ناله؛ صدا (۳ بار)، چکامه؛ حکایت (۲ بار)، گریه؛ نغمه، نَفَس؛ آواز، سؤال؛ سخن (۳ بار)، خبر؛ سلام، حرف؛ قصه (۳ بار).	خواب (۵ بار)، زندگی (۵ بار)؛ دوستی، وقت (۲ بار)؛ رؤیا، احساس؛ یادبود (۲ بار)، واقعیت (۲ بار)؛ لحظه (۲ بار)، پند؛ عمر، اندیشه (۲ بار)؛ فکر.
	جمع: ۳۸		جمع: ۳۰

چنان‌که ملاحظه می‌شود، بخش اعظم حوزه مقصد مادی از متعلقات حوزه شنیداری است. به‌طور کلی شاعران در اغلب موارد متعلقات دو حوزه شنیداری و بینایی را برای حوزه مقصد خود برگزیده‌اند.

نکته‌ای که در مورد دسته‌بندی حوزه‌های مقصد جلب توجه می‌کند این است که پیش‌تر گفته شد که از نظر زبان‌شناسان معاصر، در هر استعاره مفهومی حوزه مبدأ از امور محسوس و حوزه مقصد از مفاهیم انتزاعی انتخاب می‌شوند. «حوزه مقصد که همان امر انتزاعی است که در پی درک آن هستیم و حوزه مبدأ که امری عینی و محسوس است که به کمک آن امور غیرمادی و نامحسوس عینی‌سازی شده و درک می‌شوند» (کوچش ۱۳۹۳: ۱۳۴)، ولی در اغلب مثال‌های ذکرشده به‌ظاهر هر دو حوزه مبدأ و مقصد از نوع مادی و محسوس‌اند، مانند آواز شیرین، صدای شیرین، دختر شیرین، و... که در آن‌ها هم موصوف و هم صفت محسوس است و این با آرای کوچش و لیکاف

مغایر است، اما باید گفت در همه مثال‌های ذکر شده آنچه به عنوان حوزه مقصد از سوی گویندگان مدنظر است، «لذت و حس بر گرفته از امور» است، نه خود امر مورد اشاره؛ یعنی وقتی شاعر می‌گوید: «بعضی از شب‌ها/ با صدای شیرین/ ساعتی می‌خواند/ قصه‌های شیرین» (کیانوش ۱۳۸۱: ۵۴)، درحقیقت لذت ناشی از شنیدن صدا و قصه را با واژه «شیرین» تبیین کرده است؛ یعنی حس ناشی از شنیدن قصه و صدای ساعت را با لذت حاصل از خوردن شیرینی معادل‌سازی و برای مخاطب خود این حس را درک‌پذیر کرده است. این همان چیزی است که در اصطلاح زبان‌شناسان «نگاشت» نامیده می‌شود؛ یعنی تمام ۴۸ استعاره مفهومی ساخته شده با محوریت مزه شیرین حول نگاشت «لذت ماده‌ای شیرین است» یا «حس خوش آیند ناشی از امور مختلف ماده‌ای شیرین است» شکل گرفته است. شایان ذکر است که به قول بلاغیون، در این ترکیبات «شیرین» صفت جانشین اسم است و منظور از آن «ماده شیرین» است؛ یعنی کلان‌استعاره حاکم در تمامی نمونه‌های ذکر شده این است: «لذت ماده‌ای شیرین است»؛ یعنی برای امری نامحسوس و انتزاعی (لذت ناشی از خوابیدن، آواز شنیدن، رؤیادیدن، ...) طعم و مزه قائل شده است که ویژگی ماده است. این ویژگی را در استعاره‌های مفهومی برساخته از طعم تلخ هم می‌توان دید. در این موارد نیز شاعران حس ایجاد شده از امور گوناگون را در قالب ماده‌ای مفهوم‌سازی کرده‌اند که طعم تلخ دارد. اگر بخواهیم کلان‌استعاره حاکم بر این نمونه‌ها را تعیین کنیم، عبارت «احساس ناخوش‌آیند ماده‌ای با طعم تلخ است» را می‌توان اساس شکل‌گیری استعاره‌های مورد نظر دانست. نگاشت این کلان‌استعاره هم می‌تواند «تحمل‌ناپذیر بودن» و «نامطلوب بودن» باشد، یعنی همان‌گونه که خوردنی تلخ مزه ناگوار و تحمل‌ناپذیر است، حس‌های نامطلوب نیز تحمل‌ناپذیرند.

بر این اساس، باید این نکته را در نظر داشت که در استعاره مفهومی، همواره عین واژه به‌کاررفته را نباید حوزه مبدأ یا مقصد در نظر گرفت، بلکه گاه منظور گوینده متعلقات یا ویژگی‌های واژه به‌کار رفته است. هم‌چنان‌که در استعاره‌های فوق منظور از حوزه‌های مقصد در تمامی موارد لذت ناشی از امور گوناگون است، نه خود آن امور.

در بیان نوع استعاره‌های به‌کاررفته در همه نمونه‌های مورد اشاره نیز باید افزود که همه این استعاره‌های مستخرج از نوع هستی‌شناختی‌اند؛ یعنی شاعران امور انتزاعی را در قالب امور محسوس بازسازی کرده‌اند. بنابه نظر لیکاف و جانسون، استعاره هستی‌شناسانه سه نوع است:

۱. استعاره ظرف: در این نوع استعاره‌ها، درباره پدیده‌ها و اشیائی که در واقع، فاقد حجم و فاقد درون و بیرون هستند، طوری صحبت می‌کنیم که گویی درون و بیرون دارند.
 ۲. تشخیص: در این نوع استعاره، شیء فیزیکی و مفهومی انتزاعی شخص پنداشته می‌شود و با این شخص‌انگاری می‌توان بسیاری از تجربه‌های مربوط به پدیده‌های غیرانسانی را در چهارچوب انگیزه‌ها، مشخصه‌ها، و فعالیت‌های انسانی درک کرد.
 ۳. استعاره‌های پدیده‌ای یا مادی از جمله استعاره‌هایی هستند که براساس تجربه‌کردن اشیای مادی و فیزیکی شکل می‌گیرند (لیکاف و جانسون ۱۳۹۰: ۵۰).

از این رو، استعاره‌های موردبررسی چون مبتنی بر ماده یا پدیده‌پنداشتن نوع سوم از استعاره هستی‌شناختی حوزه مقصدند، پس از نوع استعاره هستی‌شناختی به‌شمار می‌روند. شاعران در این نمونه‌ها با توجه به تجربه‌ای که کودکان از اشیای فیزیکی دارند، استعاره‌ها را برایشان مفهوم‌سازی کرده‌اند. زیرا لذت تجربه‌ای شخصی، فرامادی، و ناملموس است و این قابلیت را ندارد که مستقیماً به آن اشاره یا برای کودک ترسیم شود. از این رو، با کمک تجربه‌هایی که یک کودک از مراتب گوناگون لذت می‌تواند داشته باشد، باید این امر را برای او قابل درک ساخت و چون ساده‌ترین و به‌اصطلاح در دسترس‌ترین تجربه لذت برای یک خردسال لذت ناشی از خوردن خوراکی‌های باب طبع اوست، از این رو شاعران کوشیده‌اند لذت ناشی از امور گوناگون را با این تجربه سطحی کودک هم‌تراز و احساس خود را به او منتقل کنند. هم‌چنین، مجدداً یادآور می‌شویم که شمار استعاره‌های مفهوم‌سازی شده با حوزه مبدأ «تلخ» بسیار کم‌تر از استعاره‌هایی‌اند که مزه «شیرین» حوزه مبدأ آن را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، می‌توان گفت شاعران در تطبیق فضای شعری خود با روحیه کودکان موفق بوده‌اند و شعری شاد، کودک‌پسند، و مطابق با ذائقه کودکانه را ارائه داده‌اند.

۷. نتیجه‌گیری

استعاره یکی از مباحثی است که با ظهور و رشد زبان‌شناسی شناختی مسیر مطالعه آن تغییر کرد. استعاره، که سالیان متمادی به ابزاری شاعرانه شناخته می‌شد که در خدمت کاربرد غیرعادی زبان بود، با گسترش علوم شناختی، ابزاری برای اندیشیدن و درک امور انتزاعی معرفی شد، با این تعبیر که ذهن امور انتزاعی را از طریق بازسازی آن‌ها در قالب امور مادی درک و دریافت می‌کند. در این دیدگاه، حوزه انتزاعی «قلمرو مقصد» و

حوزه مادی، که به واسطه آن درک حوزه انتزاعی امکان پذیر می شود، «قلمرو مبدأ» نامیده می شود. قلمرو مبدئی که در استعاره مفهومی استفاده می شود، می تواند یکی از مدرکات پنج حس ظاهری شنوایی، بینایی، بویایی، چشایی، و لامسه باشد. اساس شکل گیری این پژوهش بر رجحان مدرکات حس چشایی بر ملموسات دیگر حواس بود.

در این پژوهش، استعاره‌های مفهومی با مبدأ «مزه‌ها» در سی مجموعه اشعار کودکان بررسی شدند. نتایج پژوهش نشان داد که در حدود ۶۸ استعاره مفهومی در آثار موردنظر به کار رفته‌اند که مبدأ آن‌ها از مدرکات حوزه چشایی‌اند. هم‌چنین، از میان مزه‌های گوناگون، مزه‌های شیرین (۴۸ مورد) و تلخ (۲۰ مورد) برای القای مفاهیم مطلوب و نامطلوب انتخاب شده‌اند؛ یعنی شاعران با تکیه بر ذائقه کودکان، که عمدتاً شیرینی‌پسند است، برای مفهوم‌سازی امور مطلوب از واژه «شیرین» و در مفهوم‌سازی امور و حس نامطلوب از کلمه «تلخ» بهره برده‌اند. حوزه‌های مقصد نیز از دو نوع مادی و غیرمادی هستند که حوزه‌های مقصد مادی از متعلقات سه حس شنیداری، دیداری، و بویایی انتخاب شده‌اند.

از آن‌جاکه نخست بیش‌تر استعاره‌ها با «مزه شیرین»، مزه محبوب کودکان، مفهوم‌سازی شده‌اند، دوم، همه آن‌ها از نوع هستی‌شناختی‌اند که با دیدگاه کودکان به جهان تطابق دارد، و سوم با محسوس‌ترین مدرکات، یعنی مدرکات حوزه چشایی مفهوم‌سازی شده‌اند، بنابراین می‌توان گفت شاعران در تطبیق فضای شعری خود با روحیه کودکان موفق بوده‌اند و شعری شاد، کودک‌پسند، و مطابق با ذائقه کودکان ارائه داده‌اند.

کتاب‌نامه

- آهنگر، عباسعلی (۱۳۹۶)، «مقایسه درک استعاره مفهومی کودکان عادی و کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر فارسی‌زبان»، فصل‌نامه تازه‌های علوم شناختی، س ۱۹، ش ۴.
- ابراهیمی، ج. (۱۳۷۴)، پروانه در باران، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، ج. (۱۳۷۷ الف)، آب مثل سلام، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، ج. (۱۳۷۷ ب)، شکوفه‌های شعر، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، ج. (۱۳۷۸)، آواز پوپک، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، ج. (۱۳۸۲)، مهربان سبزپوش، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، ج. (۱۳۸۵)، آن مرد بازی می‌کند، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، ج. (۱۳۸۶)، رازهایی در باد، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، ج. (۱۳۹۲)، ماری که شاعرم کرد، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

۱۳۰ زبان‌شناخت، سال یازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

افراشی، آزیتا و فاطمه نعیمی (۱۳۸۹)، «تحلیل متون داستانی کودک با رویکرد شعرشناسی شناختی»، *زبان‌شناخت*، س ۱، ش ۲.

براتی، مرتضی (۱۳۹۶)، «بررسی و ارزیابی نظریه استعاره مفهومی»، *مطالعات زبانی و بلاغی*، س ۸، ش ۱۶.

بکتاش، غلامرضا (۱۳۹۱)، *تا رادیو خبر داد*، تهران: پالیزان.

تورت، کاترین و میشل گیودتی (۱۳۸۷)، *روان‌شناسی رشد*، ترجمه احمد یارمحمدیان و دیگران، تهران: پویش اندیشه.

خدادوست، احمد (۱۳۸۳)، *شعر سبزه‌ها*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

رحمان‌دوست، مصطفی (۱۳۷۶)، *چشمه نور*، تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

رحمان‌دوست، مصطفی (۱۳۸۴)، *پرنده گشت به به*، تهران: محراب قلم.

رحمان‌دوست، مصطفی (۱۳۸۵)، *فصل بهار بنویس*، تهران: مدرسه.

رحمان‌دوست، مصطفی (۱۳۸۸)، *گل و چای و خواستگاری*، تهران: پنجره.

رحمان‌دوست، مصطفی (۱۳۸۹)، *دوستی شیرین است*، تهران: مدرسه.

سجودی، فرزانه و زهرا قنبری (۱۳۹۱)، «بررسی معناشناختی استعاره زمان در داستان‌های کودک به زبان فارسی»، *نقد ادبی*، دوره ۵، ش ۱۹.

شریفی، شهلا و شیروان حامدی (۱۳۸۹)، «بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان در چهارچوب زبان‌شناسی، شناختی»، *تفکر و کودک*، س ۱، ش ۲.

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۵)، *روان‌شناسی رشد*، تهران: اطلاعات.

شعبان‌نژاد، افسانه (۱۳۹۱)، *شیشه آواز*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

شعبانی، اسدالله (۱۳۷۸)، *پروانه و گل سر*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

شعبانی، اسدالله (۱۳۸۱)، *رنگین‌کمان کودکان*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۰)، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران: نیل.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۱)، *بیان و معانی*، تهران: فردوس.

شهری، بهمن (۱۳۹۰)، *بررسی رابطه میان ایدئولوژی و استعاره با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی.

صفوی، کوروش (۱۳۷۹)، *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: سوره مهر.

فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، *سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، تهران: سخن.

کزازی، جلال‌الدین (۱۳۶۸)، *بیان، زیبایی‌شناسی سخن پارسی*، تهران: کتاب‌ماد.

کشاوری، ناصر (۱۳۸۴)، *چکه‌ای آواز؛ تکه‌ای مهتاب*، تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

کوچش، زولتان (۱۳۹۶)، *استعاره، مقدمه‌ای کاربردی*، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، تهران: آگاه.

کوچش، زولتان (۱۳۹۳)، *استعاره در فرهنگ*، ترجمه نیکتا انتظام، تهران: سیاه‌رود.

- کیانوش، محمود (۱۳۴۳)، شکوفه حیرت، تهران: شباویز.
- کیانوش، محمود (۱۳۴۹)، آب‌های خسته، تهران: آگاه.
- کیانوش، محمود (۱۳۵۱)، خرخاکی‌ها، یونجه‌ها و کلاغ‌ها، تهران: نیل.
- کیانوش، محمود (۱۳۷۱)، شبستان، تهران: آگاه.
- کیانوش، محمود (۱۳۷۸)، بچه‌های جهان، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کیانوش، محمود (۱۳۸۱)، زبان چیزها، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کیانوش، محمود (۱۳۸۲)، طوطی سبز هندی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کیانوش، محمود (۱۳۸۸)، خار و مروارید، لندن.
- لطف‌الله، داوود (۱۳۸۳)، زندگی: یک لبخند، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- لیکاف، جورج و مارک جانسون (۱۳۹۴)، استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم، ترجمه هاجر ابراهیمی، تهران: علم.
- محقق، جواد (۱۳۸۱)، خواب خوب، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- محقق، جواد (۱۳۹۱)، یک دانه گردو، تهران: زیتون.
- مزیانی، محمدکاظم (۱۳۹۲)، گل، آینه و قرآن، تهران: کتاب‌های شکوفه.
- هاشمی، زهره (۱۳۸۹)، «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون»، ادب‌پژوهی، ش ۱۲.
- هاوکس، ترنس (۱۳۹۰)، استعاره، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۴)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: نگاه.

- Kövecses, Z. (2010), *Metaphor: A Practical Introduction*, New York: Oxford University Press.
- Lakoff, George and Mark Johnson (1999), *Philosophy*, London: Routledge and Kegan Paul.
- Lee, D. (2001), *Cognitive Linguistics: An Introduction*, New York: Oxford University Press.
- Ogden, Charles Kay and Ivor Armstrong Richards (1972), *The Meaning of Meaning*, New York: Harcourt, Brace & World.

